

نسبت کرامت ذاتی به حقوق اقلیت‌های دینی در قرآن کریم

Oyounmag.ir

محمدجواد جاوید^۱

عمار امیری آرانی^۲

میثم امیری آرانی^۳

چکیده:

قرآن کریم به عنوان قانون اساسی بشریت حساسیت ویژه‌ای نسبت به رعایت حقوق انسان‌ها فارغ از دین و آیین آنها دارد. بر مبنای کرامت ذاتی، همگان از منظر انسانی با یکدیگر برابرند و در برخورداری از حقوق بنیادین بشری از حقوق مساوی برخوردارند. از این رو، مساله اقلیت‌های دینی تنها اقلیت مطرح در قرآن کریم و حقوق اسلامی است که ذیل مسائل مرتبط با حقوق شهروندی – و نه حقوق بشری – بررسی می‌شود. مقاله حاضر با مبنا قراردادن بیان فوق به عنوان مفروض مساله و با تکیه بر روش اکتشافی – توصیفی، مدعی است اساساً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حقوق اقلیت‌های دینی ذیل مسائل مرتبط با حقوق شهروندی مطرح می‌شود. این گزاره اخیر فرضیه اصلی ما را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: اقلیت‌های دینی، کرامت ذاتی، حقوق شهروندی، قرآن کریم، ایران.

^۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران

^۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع) a.arani1367@gmail.com

^۳. کارشناس ارشد حقوق خصوصی

مقدمه:

از منظر قرآن کریم کلیه انسان‌ها در حقوق انسانی با یکدیگر برابرند. آنگاه که بحث از انسان در میان است، قرآن کریم در رعایت حق و حقوق افراد، بیگانه و خودی نمی‌شناسد. ایمان در هر شکل آن در جامعه، نشان از شرط برخورداری از مزایای شهروندی بیشتر است، نه برخورداری از مزایای انسانی بیشتر. قرآن کریم در مقام ترسیم جامعه صالحان و مؤمنان، بر اولویت و تقدم آنانی اصرار دارد که تابع منافع عموم جامعه‌اند و در یک جامعه اسلامی که اکثریت شهروندان مسلمانند، اولویت با آنان است. با این حال جامعه اسلامی بالاترین تعصب را نسبت به رعایت حقوق انسانی همگان ولو غیرمسلمانان دارد.

از این رو، اقلیت در اسلام به معنای خاص بی‌معناست و همگان از منظر انسانی برابرند؛ لذا اساساً مسأله اقلیت‌های دینی، تنها اقلیت مطرح در حقوق اسلامی است که ذیل مباحث حقوق شهروندی- و نه حقوق بشری- قابل بررسی است. با این تفصیل، پرسش اساسی این نوشتار حول یک مسأله کلیدی است و آن اینکه آیا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از اصول و موازین قرآنی است، حقوق اقلیت‌های دینی ذیل مباحث حقوق شهروندی بررسی می‌شود یا حقوق بشری؟

طبعاً پاسخ به پرسش فوق تمهیداتی می‌طلبد. با توجه به پرسش اساسی این نوشتار، فرضیه اصلی می‌تواند بر این امر استوار شود که حقوق اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران تابع وضعیت حقوقی آنان در حقوق اسلامی است و ذیل مسائل مرتبط با حقوق شهروندی مطرح می‌شود. چرا که از منظر فقه و حقوق اسلامی اقلیت در حقوق انسانی وجود ندارد.

البته ناگفته نماند که هیچ شکی وجود ندارد که برتری ذاتی اسلام نسبت به سایر ادیان، قابل خدشه نیست؛ لذا در یک رویکرد درون دینی، فرد مسلمان با غیرمسلمان برابر نیست؛ اما این بیان به معنای تفاوت در انسانیت هیچ کس نمی‌باشد، بلکه ناظر به بعد تقوا در افراد است. همانگونه که قرآن کریم ملاک برتری در قرابت به حضرت حق و تعامل مومنان با یکدیگر را تقوا قرار داده است.

با این وصف اگر دولت اسلامی تشکیل گردد و معیار خویش را در ارائه خدمات انسانی، سطح تقوا یا صرف مسلمانی افراد قرار دهد این رویکرد از منظر دینی هم ناصواب خواهد بود. بر عکس دولت اسلامی این اختیار را دارد تا بر اساس اصل «وفاداری» که بنیان هر حاکمیتی بر آن استوار می‌گردد در برخی حوزه‌هایی که که ما از آن حوزه‌ها به حقوق شهروندی تعبیر می‌کنیم،^۴ تمایزاتی در اعطای امتیازات، هر چند به نفع اقلیت دینی قائل شود. حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) امام اول شیعیان در نامه ای به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «قلب خود را نسبت به مردم لبریز از رحمت و محبت و لطف به آنان بکن... زیرا مردم یا هم کیشان تو هستند و یا هم نوعان تو.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

از این سخن استفاده می‌شود که اقلیت‌های دینی در درجه اول به عنوان یک انسان صاحب کرامت، صاحب حقوق انسانی هستند و در درجه بعد به عنوان شهروندان غیرمسلمان حق دارند در کشورهای اسلامی با آزادی، طبق آیین خود عمل کنند، مشروط بر اینکه به میثاق خود با حاکمیت اسلامی پایبند باشند. با این مقدمه، بررسی و تبیین جایگاه حقوقی اقلیت‌ها در اسلام، محتاج توضیح بیشتری است؛ بنابراین در جواب سوال اصلی مقاله، وضعیت اقلیت‌ها در قرآن کریم و جمهوری اسلامی ایران را در دو فصل مورد بررسی قرار می‌دهیم: اول، جایگاه اقلیت‌ها در قرآن کریم و حقوق آنها و دوم، حقوق اقلیت‌ها و وضع کنونی آنها در قوانین جمهوری اسلامی ایران.

^۴ رجوع کنید: محمد جواد جاوید، نظریه نسبیت در حقوق شهروندی؛ تحلیلی مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی، تهران: گرایش، ۱۳۸۷.

فصل اول: اقلیت‌ها و کرامت ذاتی انسان در قرآن کریم

در قرآن کریم به عنوان کتاب مسلمانان، دو نوع کرامت را می‌توان برای انسان یافت. یکی کرامتی جهان شمول که صفتی فطری و ذاتی است و از اطلاق آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰) مستفاد می‌گردد و دیگری کرامتی اکتسابی و غیرذاتی که مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف‌شدنی است و از آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳) قابل برداشت است. (نک. مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ج ۱، صص ۲۶۱-۲۶۲) کرامت ذاتی انسان که منشأ حقوق طبیعی او نیز محسوب می‌شود، کرامتی است که انسان بماهو انسان و از آنرو که انسان است، دارای این نوع کرامت است. از اطلاق عبارت "بنی آدم" می‌فهمیم که این کرامت، مطلق است و از هرگونه تقید نسبت به مکان و زمان و ملیت و مذهب خاص مبراست و فراتر از رنگ و نژاد و یا مسلک دینی و سیاسی خاص، فرد برخوردار از آن است؛ لذا علامه طباطبایی، در تفسیر آیه شریفه یادشده می‌فرماید: «آیه مورد بحث، در مقام امتنان و منت نهادن، همراه با عتاب و سرزنش، نسبت به نافرمانی بشر از خداوند است که این ویژگی، ایجاد می‌کند که مقصود از آیه شریفه، اعم از موحدان، مشرکان و کافران باشد؛ چه اگر مقصود تنها انسان‌های خوب و مطیع بود، معنای امتنان و عتاب درست در نمی‌آید.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق، ج ۱۳، ص ۱۵۵)؛ بنابراین، بر اساس رهنمود مرحوم علامه، کرامت ذاتی، کرامت تکوینی و اعطایی است که در قالب عطیة الهی، شامل حال همه افراد بشر گشته و بشر با این شرافت اعطایی الهی، مستحق رفتار برابر و حقوق عادلانه گردیده است. اما کرامت اکتسابی انسان که منشأ برخورداری از حقوق شهروندی او محسوب می‌شود، کرامتی است که انسان اتفاقاً بواسطه پذیرش پوشش اجتماعی، سیاسی و یا دینی و فرهنگی خاص، از آنها برخوردار می‌گردد. از منظر قرآن کریم، در جامعه دینی اکتساب کرامت مقید به تقوی شده است. (حجرات/۱۳)؛ البته نگارنده معتقد است که ملاک برتری فرد در بهره مندی از حقوق شهروندی، تقوی است؛ به شرطی که این تقوی فقط جنبه شخصی و خصوصی نداشته باشد و فرد متقی از آثار فردی این تقوی در جهت منفعت‌رسانی به جمع بهره ببرد. این نوع کرامت شاید در وضع جمعی برای دولت دینی ارزش باشد؛ اما در یک جامعه سکولار ارزش شخصی بوده و در جامعه بی‌دین این قرب به خدا از طریق خدمت به هموعان قابل فهم و اعمال است؛ یعنی به صرف اعتقاد به خدا نمی‌توان او را برخوردار از امتیاز مادی و معنوی خاصی نسبت به دیگر شهروندان نمود.

علامه جعفری در این مورد می‌نویسد: در دین اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارتند از: (۱) کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها، مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران آن کرامت را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند؛ و (۲) کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت اکتسابی و اختیاری است. (علامه جعفری، ۱۳۷۰، صص ۲۷۹-۲۸۳).

خلاصه آنکه در نزاع کلامی حق و تکلیف آدمی، کرامت انسانی یک بستر اولیه و پایه نخستین هر نوع حق و تکلیف است. از این منظر ذاتی یا اکتسابی بودن کرامت، به مثابه سخت افزاری است که نرم افزار حقوق بشری و شهروندی بر آن نصب می‌شوند. این ظرافت مد نظر قرآن کریم هست. از حقوق انسان در قرآن به نیکی یاد شده است اما بستر و بنیان این حقوق اصل دیگری است به نام کرامت انسانی. قرآن کریم همه انسان‌ها از جمله اقلیت‌ها را صاحب نوعی کرامت ذاتی می‌داند. از سوی دیگر آیات قرآن کریم برخی از افراد انسانی را از حیوان پست‌تر دانسته و بسیاری را لایق مرگ می‌شمارد. به دیگر سخن، قرآن کریم گرچه هرگز حقوق انسانی را فدای مقوله‌های دیگر نمی‌کند؛ لکن در برخی موارد به دلیل رویکرد خاص دینی، افرادی را حتی از شاخص انسانیت تنزل می‌دهد «اولئک کالانعام بل هم اضل» (اعراف/۱۷۹) و گاه کار را تا حذف

فیزیکی هم پیش می‌برد «اینما ثقفوا اخذوا و قتلوا تقتیلا» (احزاب/۶۱)؛ این بیان به ما کمک می‌کند تا پرده دومی از کرامت انسانی بنام کرامت اکتسابی را بهتر بفهمیم. این کرامت ثانویه معطوف به حیات جمعی و سبک زندگی ماست. با این تفصیل باید گفت فرد عاری از این ایمان از نظر قرآن، انسان هست و دارای کرامت انسانی خواهد بود اما طبیعتاً نه انسان مطلوب قرآن است و نه در جوامع دینی صاحب امتیاز خواهد بود. چون از منظر قرآن از ایمان، تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا بر می‌خیزد (آل عمران/۱۹۳)؛ پس انسان حقیقی از نظر قرآن که خلیفه الله است، مسجود ملائکه است، همه چیز برای اوست و بالاخره دارنده‌ی همه‌ی کمالات انسانی است، انسان بعلاوه‌ی ایمان است، نه انسان منهای ایمان. انسان منهای ایمان، کاستی گرفته و ناقص است نه در کرامت ذاتی بلکه در تکامل انسانی؛ چنین انسانی ناتمام است در دستیابی به کرامت اکتسابی. چنین انسانی اگر چه ممکن است حریص باشد، بخیل و ممسک باشد، کافر باشد و حتی از حیوان پست‌تر باشد اما در مقامی که جرمی مرتکب نشده و بر حق دیگری آسیب نرسانده یا بر طبیعت و دولت هزینه‌ای بار نکرده است همواره از کرامت ذاتی و حقوق پایه انسانی برخوردار است. از اینرو هرچند در قرآن آیاتی آمده است که روشن می‌کند انسان ممدوح چه انسانی است و انسان مذموم چه انسانی است اما ایندو ناظر بر سلب یا افزایش کرامت ذاتی انسانی نیست بلکه علاوه بر بیان انسان مطلوب خدا بر انسان مطلوب جامعه تاکید دارد. بنابراین انسان فاقد ایمان و جدا از خدا، انسان واقعی نیست. (نک. مطهری، ۱۳۷۳، صص ۱۱-۱۶)

براساس این برداشت در حقوق اسلامی مساله اهل کتاب و غیراهل کتاب مطرح گردیده و در بین اهل کتاب نیز مومنان و راهبان و اهل کلیسا و کنیسه در برخی موارد بر همکیشان خویش تقدم می‌یابند. از سوی دیگر در بین مسلمانان نیز مساله مسلمان عامل و غیرعامل، یا سنی و شیعی و امثال آن اسباب مرزبندی‌هایی را در درون فقه و حقوق اسلامی در ارتباط با مفهوم مومن یا انسان حقیقی فراهم آورده اند. حال آیا می‌توان گفت به هر میزان که انسان به ایمان حقیقی نزدیکتر می‌شود انسان تر گشته و در نتیجه از حقوق انسانی افزونتری برخوردار می‌گردد و بالعکس به هر میزان که از حقیقت ایمان مد نظر قرآن فاصله می‌گیرد از حقوق انسانی هم فاصله خواهد گرفت؟ بی تردید همانگونه که گفته شد، پاسخ نظام حقوق اسلام منفی است. آنگاه که بحث انسان و کرامت ذاتی او در میان است حقوق قرآنی بیگانه و خودی نمی‌شناسد. ایمان در هر شکل آن در جامعه نشان از شرط برخورداری از مزایای شهری بیشتر است و نه حقوق انسانی بیشتر.

اقلیت‌ها در قرآن مورد توجه قرار گرفته است و تحت عناوینی متفاوت از آنها یاد گردیده است. کافر عام‌ترین واژه در این خصوص است که در بردارنده مجموعه افرادی اعم از اهل کتاب و غیر آنست که بر طریق اطاعت از خالق متعال نیستند (بقره/۳۴؛ مائده/۶۷) و یا اسلام را باور ندارند. اینان می‌توانند شهروند جامعه اسلامی باشد و در این صورت حق مدیریت جامعه البته با آنان نخواهد بود؛ چرا که بصورت طبیعی اولاً در اقلیتند و ثانیاً جامعه دینی اسلامی نمی‌تواند با رهبری یک فردی غیر مومن به مرام عامه افراد هدایت شود. چون بنیان چنین جامعه‌ای بر اساس معنا و اعتقاد سامان یافته است. (آل عمران/۳۲)؛ از اینرو قرآن کریم بر عدم سلطه آنان تاکید دارد (آل عمران/۲۸) و به مثابه فرمانی از اطاعت (فرقان/۵۲)، ولایت در معنای امارت (نساء/۱۴۱) و ولایت (نساء/۱۴۴) و حتی محبت و دوستی عمیق با آنها بر حذر می‌دارد. (آل عمران/۱۱۸)؛ در این میان ارزش هر فردی حتی از اهل کتاب به تبعیت از فرمان خداست. (مائده/۶۸)

دقت در تمام موارد فوق نشان می‌دهد که قرآن کریم در مقام ترسیم جامعه صالحان و مومنان است و در این مسیر بر اولویت و تقدم انانی اصرار دارد که تابع منافع عموم جامعه اند و در یک جامعه اسلامی که اکثریت مسلمانند، اولویت با آنان است. جامعه اسلامی بالاترین تعصب را در رعایت کرامت ذاتی و حقوق انسانی همگان ولو غیرمومنان دارد. از اینروست که در اسلام اقلیت به معنای خاص کلمه از جمله اقلیت نژادی، قومی، زبانی و... بی‌معناست و همگان از جمله اقلیت‌ها از

منظر انسانی دارای کرامت ذاتی هستند و برابرند. حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) امام اول شیعیان در نامه ای به مالک اشتر در خصوص کرامت انسان‌ها چنین می‌فرماید: «قلب خود را نسبت به مردم لبریز از رحمت و محبت و لطف به آنان بکن... زیرا مردم یا هم کیشان تو هستند و یا هم نوعان تو.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۴۲۷)؛ لذا اساساً مسأله اقلیت دینی تنها اقلیت مطرح در حقوق اسلامی است و آنهم نه در حقوق انسانی بلکه در حقوق شهروندی جامعه‌ای که عموم آنها مسلمانند.

حقوقدان مسلمان پروفیسور حمیدالله نیز در این باره می‌نویسد: «من در تاریخ برای یک خارجی، شرایطی آزادتر و بهتر از وضعیتی که اسلام برای ذمی قائل شده، سراغ ندارم.» (حمیدالله، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳)

البته دسته دیگری که قرآن کریم بر توجه بدان‌ها تذکر داده و آنان را در کنار کافران از سروری جامعه اکثریت مومنان محروم دانسته است (نساء/۱۴۰) منافقان هستند؛ از اینرو دستور به مبارزه با آنان در صورت تعدی به مسلمانان، فرمانی مشترک در برابر هر دو گروه تلقی می‌گردد. (توبه/۷۳)

فصل دوم: حقوق اقلیت‌های دینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همچون قانون اساسی مشروطه برای اقلیت‌ها حقوقی در دو دسته حقوق پایه بشری و حقوق شهروندی به رسمیت شناخته است. بررسی و نقد این حقوق در قانون اساسی با تأکید بر موضوع حقوق اقلیت‌ها در وضع فعلی می‌تواند راهگشا باشد.

۱. بررسی اصول ناظر به حقوق بشری

قانون اساسی، مذاهب را صاحب حقوق تامه می‌داند. اصل دوازدهم قانون اساسی ایران به این مسأله پرداخته است و نیز اقلیت‌های دینی، موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی هستند که شامل اهل کتاب یعنی ادیان یهودی مسیحی و زرتشتی در ایران است.^۱ اصل چهاردهم نیز ناظر به حقوق اقلیت‌های غیردینی یا اقلیت‌های دینی خارج از موضوع اصل سیزدهم است.^۲ اقلیت‌ها در ایران از منظر حقوق طبیعی به معنای برخوردار از حق هویت نژادی و قومی و نیز برخوردار از آزادی مکالمه و آموزش به زبان محلی و بومی حقوقی مطابق قانون دارند. اصل پانزدهم قانون اساسی به این موضوع می‌پردازد.^۳

در برخی اصول قانون اساسی تعابیر عمومی دال بر حق انسانی همه مردم ایران آمده است (اصل ۵۶) که شامل همه شهروندان ایرانی از جمله اقلیت‌ها می‌شود: لزوم فراهم شدن زمینه مشارکت عمومی مردم در تعیین سرنوشت خود (اصل ۵۶)، حمایت قانون از همه مردم و برابری حقوق مردم (اصل ۱۹ و ۲۰)، تجمع (اصل ۲۷)، حق انتخاب شغل مناسب (اصل ۲۸)، حق دادخواهی و انتخاب وکیل (اصول ۳۴ و ۳۵)، و اصل برائت همه اشخاص از ارتکاب جرائم (اصل ۳۷)،

^۱ اصل دوازدهم قانون اساسی: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خود شان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.»

^۲ اصل سیزدهم قانون اساسی: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل میکنند.»

^۳ اصل چهاردهم قانون اساسی: «به حکم آیه شریفه "لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین" دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

^۴ اصل پانزدهم قانون اساسی: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

مسکن مناسب، آموزش رایگان تا دوره متوسطه، آزادی عقیده و بیان،^{۱۱} بهداشت و سلامت عمومی^{۱۲} در قانون اساسی به صراحت نام برده شده است. همه این حقوق با ضمانت قانون از تعرض و تعدی مصون است.^{۱۳}

۲. اجرای قوانین ناظر بر حقوق شهروندی اقلیت‌های دینی در ایران

مهمترین انتقاد به قوانین ایران در خصوص اقلیت‌ها به متن قانون نیست، بلکه به اجرای قانون باز می‌گردد که اجرای قانون نیز یک مشکل کلی است و اساساً خاص اقلیت‌ها در ایران نیست؛ با این وجود شاید بتوان گفت به دلیل تمایزات مثبت و حساسیت بالای جمهوری اسلامی در این خصوص قوانین ناظر به اقلیت‌ها از ضریب اجرایی بالاتری برخوردارند. در این قسمت برخی از موارد اجرایی بیان می‌شود. به منظور ارتقاء حقوق و حضور اقلیت‌های دینی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و نیز مشارکت فعال آنان در مراحل تصمیم‌گیری، اقداماتی در سطوح محلی و ملی در قالب قوانین اساسی و جاری به انجام رسیده است. موارد زیر از جمله نمودهای اصلی آنها می‌باشد.

۲.۱. مشارکت فعال در حوزه تقنین:

۲.۱.۱. اقلیت‌های دینی، دارای پنج نماینده در مجلس شورای اسلامی هستند؛ ارامنه، دو نماینده؛ آشوریان، یک نماینده؛ کلیمیان، یک نماینده و زرتشتیان نیز یک نماینده؛ با عنایت به اینکه جمعیت هفتاد میلیونی ایران، در حال حاضر ۲۹۰ نماینده دارد، ولی علی‌رغم کمی جمعیت در اقلیت‌های دینی - جمعیت حدود ۲۰۰ هزار نفری - طبق قانون، تعداد پنج کرسی مجلس شورای اسلامی به نمایندگان آنها اختصاص داده شده است. بر پایه اصل ۶۷ قانون اساسی، نمایندگان اقلیت‌های دینی در هنگام ادای سوگند در مجلس می‌توانند به کتاب مقدس خود قسم بخورند.

۲.۱.۲. همچنین اقلیت‌ها در صورت اخذ آراء، مجاز به حضور در شوراها نیز هستند.^{۱۴} به‌علاوه، ارائه مجوز به تشکلهای و سازمان‌های اقلیت‌های دینی توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور، صورت پذیرفته است که از این طریق، اغلب انجمن‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی - فرهنگی اقلیت‌ها به‌طور رسمی در ایران فعالیت دارند.

۱۹ اصل سی‌ویکم قانون اساسی: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائین و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند». در موضوع مسکن مهر دولت دهم و یازدهم هم این حق به مثابه حق عمومی شامل همه افراد شده است و اساساً در این خصوص گزینه دین و اعتقاد وجود ندارد.»

۱۰ اصل سی‌ام قانون اساسی: «دولت موظف است و سایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و و سایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.»

۱۱ اصل بیست و سوم قانون اساسی: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.»

۱۲ اصل بیست و نهم قانون اساسی: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.»

۱۳ اصل بیست و دوم قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

۱۴ در انتخابات چهارمین دوره شوراهاى اسلامى شهر و روستا، چند نفر از هموطنان مسیحى در شوراهاى شهر و روستاى شهرهاى ارومیه، فریدن و فریدونشهر حضور داشتند. همچنین زرتشتیان در شوراهاى شهر و روستاى استان یزد دارای نماینده هستند.

۲.۲. مشارکت فعال در حوزه فرهنگ:

۳.۲.۱ در مرحله بعد دولت اسلامی با اختصاص ردیف بودجه به شماره ۵۰۳۷۸۴ جهت اقلیت‌های دینی در حمایت حداکثری از آنان در جامعه ایرانی همت گمارده است. همچنین دولت با اعطای حقوق و مزایای عام و خاص،^{۱۵} به تسهیل امور فرهنگی و اجتماعی و حقوقی اقلیت‌های دینی، همسان با سایر اقشار جامعه پرداخته است. به عنوان مثال اقلیت‌های دینی ایران در حوزه فرهنگی و اجتماعی در قالب موارد زیر می‌توانند فعالیت نمایند:

1. داشتن مجوز انتشار نشریه‌های مختلف؛
 2. مرمت و بازسازی اماکن مربوطه؛
 3. دارابودن مدارس خاص اقلیت‌ها؛
 4. بلامانع بودن آموزش زبان قومی؛
 5. آزادی در برگزاری برنامه‌های مذهبی؛
 6. بهره‌مندی از بودجه و اعتبارات دولتی؛
 7. ایجاد تسهیلات، جهت صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور؛
 8. انتخاب مدیران اقلیت برای مدارس و استخدام آنها به عنوان معلم؛
 9. تدریس دروس دینی ارامنه با زبان ارمنی در مدارس ارامنه.
- ۳.۲.۲. حمایت و آزادی در انجام فعالیت‌ها و برگزاری مراسم عبادی در کنیسه‌ها و کلیساهای کشور و حق داشتن مدرسه خاص برای زرتشتیان از دیگر حمایت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران از اقلیت‌های دینی می‌باشد. در حوزه نشریات نیز یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان دارای نشریه هستند.

۲.۳. حقوق اجتماعی و مذهبی خاص

- ۲.۳.۱. اقلیت‌های دینی علاوه بر استفاده از تعطیلات رسمی کشور، می‌توانند مطابق بخشنامه مورخ ۳ دی ۱۳۶۶ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، از مرخصی‌های ویژه در روزهای عید و جشن خاص خود، مانند روز کیپور، روز تولد زردشت، روز تولد حضرت مسیح و عید پاک هم استفاده کنند.
- ۲.۳.۲. مواد ۳۷ و ۳۸ قانون فعالیت احزاب و انجمن‌ها، مصوب ۱۳۶۱ش، پاره‌ای فعالیت‌های دینی (مانند برگزاری مراسم مذهبی، تعمیر معابد و...) و نیز فعالیت‌های اجتماعی (مانند تأسیس باشگاه‌های ورزشی و مراکز درمانی و خانه‌های سالمندان) و فرهنگی (مانند تأسیس مدارس و هنرکده‌ها و آموزش زبان خاص) را برای اقلیت‌ها جایز شمرده و یارانه نقدی برای انجمن‌های اقلیت‌های دینی نیز پیش‌بینی شده است.
- ۲.۳.۳. مفاد قانون معافیت مالیاتی معابد و انجمن‌های دینی مصوب ۱۳۱۲ش، در سال ۱۳۶۶ش تمدید و ابقا شد.
- ۲.۳.۴. شرط التزام عملی به احکام اسلام، که برای استخدام مسلمانان در قانون گزینش مصوب ۱۳۷۴ش مطرح شده، در مورد اقلیت‌ها تغییر یافته و اجرای این قانون درباره آن‌ها تابع شرایط و ضوابط خاص متناسب با آنان است؛ البته اقلیت‌های دینی نباید آشکارا احکام اسلامی را نقض کنند.

^{۱۵} به عنوان نمونه در ماده واحده تبصره ۱۹ بودجه ۱۳۸۶ آمده است: «مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور، مساجد، حسینیه‌ها، مهدیه‌ها، مدارس روستایی، حوزه‌های علمیه، گلزار شهداء و معابد اقلیت‌های دینی شناخته شده؛ موضوع اصل سیزدهم قانون اساسی، برای یکبار و یک انشعاب از پرداخت حق انشعاب آب، دفع فاضلاب، برق و گاز، معاف می‌باشند.»

۲.۴. مسائل حقوق قضایی اقلیت‌ها:

۲.۴.۱. اقلیت‌ها در احوال شخصیه در حوزه حقوقی طبق قانون اساسی تابع قوانین شرعی خویش هستند. الف) آزادی در احوال شخصیه؛ ب) برقراری حقوق بازنشستگی؛ ج) برابری دیه اقلیت‌های دینی با مسلمانان؛ د) اصلاح مسأله ارث اقلیت‌های دینی با حمایت ۱۹۹ نماینده مجلس شورای اسلامی.

۲.۴.۲. بنابراین در مسائل جزایی هم تسهیلاتی همانند مسلمانان دارا هستند. طبق ماده ۱۴۳ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مصوب ۱۳۸۰، هنگام پذیرش زندانی، دین رسمی او در برگه پرسشنامه، درج و به منظور تقویت و تحکیم مبانی دینی زندانیان و اجرای آداب و مراسم دینی آنان با جلب کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق مسؤولین زندان، وسیله و تسهیلات لازم جهت انجام فرایض دینی آنها فراهم می‌گردد. ماده ۱۴۴ و ۱۴۵ همین آئین‌نامه، اشعار می‌دارد: «هر زندانی که دارای یکی از ادیان رسمی کشور باشد می‌تواند در آسایشگاه عمومی یا انفرادی خود یک جلد کتاب آسمانی، کتاب دعا و سجاده نماز جهت انجام فرایض دینی خود نگه دارد. هر زندانی که دارای یکی از ادیان رسمی کشور باشد در صورت لزوم می‌تواند تقاضا نماید تا پس از موافقت رئیس زندان، نماینده مذهبی او در زندان حضور یافته، در اجرای آداب و مسائل مذهبی او را هدایت و ارشاد نماید».

۳.۴.۲. علاوه بر این در جهت ضمانت این حقوق و آزادی‌ها و اجرای قانون اساسی و برخورداری آحاد ملت از جمله اقلیت‌ها از حقوق تصریح شده در قانون، ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی تصریح می‌کند: «هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت ۳ تا ۵ سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال، محکوم خواهد شد».

نتیجه

از منظر قرآن کریم اقلیت به معنای خاص بی‌معناست و در آموزه‌های قرآنی، دین اسلام و حقوق ایران، همگان از آن جهت که انسان هستند، برابرند و دارای حقوق کامل بشری؛ لذا اساساً مسأله اقلیت‌های دینی، تنها اقلیت مطرح در حقوق اسلامی است که ذیل حقوق شهروندی و نه حقوق بشری، قابل بررسی است. این بررسی، اختصاص به حقوق اسلامی ندارد، بلکه در تمامی مکاتب حقوقی مدون امروزی، مسأله‌ای تحت عنوان حقوق اقلیت‌ها ذیل حقوق شهروندی طرح می‌گردد. در عین حال، باید روشن گردد که هر چند شهروندان فی نفسه به حکم اولی انسان بودن از حقوق ثابتی برخوردارند که به باور دین‌مداران ریشه در حقوق الهی (طبیعی) دارد، با این وجود هیچ شهروندی؛ هر چند مؤمن، از منکر یا مخالف خود در برخورداری از حقوق انسانی، انسان‌تر تلقی نمی‌گردد و بالعکس هیچ بی‌دینی در جامعه دینی، هر چند حربی و غیرقانونی یا شبه قانونی، برای همیشه از منظر حقوق و امتیازات شهروندی در رده پایین قرار نمی‌گیرد؛ چرا که اساساً میزان در این نوسانات حقوقی، نه انسانیت؛ بلکه میزان وفاداری در حفظ سعادت جمعی و مصالح و منافع عمومی جامعه است. حقوق اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران نیز تابع وضعیت حقوقی آنان در حقوق اسلامی است. و از این منظر اقلیت در حقوق انسانی وجود ندارد و همه اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی، طبق دین اسلام برخوردار از تمام حقوق انسانی هستند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه دکتر صبحی صالح، (۱۴۲۵هـ)، دارالکتاب المصری، قاهره: دار الکتب اللبنانی.

۱. آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مصوب ۱۳۸۰.
۲. جاوید، محمد جواد، (۱۳۸۷)، نظریه نسبیّت در حقوق شهروندی؛ تحلیلی مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی، تهران: گرایش،
۳. جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۳۷۰)، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: نشر دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
۴. حمیدالله، محمد، (۱۳۸۰)، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق: دکتر سید مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷هـ.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۳.
۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۷. قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور
۸. قانون فعالیت احزاب و انجمنها، مصوب ۱۳۶۱ش.
۹. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و نگارش: محمدمهدی نادری قمی، محمد مهدی کریمی‌نیا، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ پنجم، ۱۳۹۱
۱۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، انسان در قرآن (مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی)، جلد چهارم، تهران: انتشارات صدرا، هشتم.